



جامعه‌شناسی خانواده

با نگاهی به منابع اسلامی

دکتر حسین بستان (نجفی)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۵۲-
جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی / حسین بستان (نجفی). - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۳۹۰.
سیزده، [۲۴۹]ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۹۲: علوم اجتماعی؛ ۲۲)
ISBN: 978-600-5486-68-1
بها: ۴۲۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۳۷]-۲۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. خانواده. ۲. زناشویی. ۳. خانواده - جنبه‌های جامعه‌شناختی. ۴. خانواده - جنبه‌های مذهبی - اسلام.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۰ ج ۲ / ۴۷ ب / HQ ۷۴۳ / ۸۵ / ۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی
۲۶۵۷۸۰۱



جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی

مؤلف: دکتر حسین بستان (نجفی)
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۹۲؛ علوم اجتماعی: ۲۲)
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
چاپ چهارم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۳)
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - جعفری
قیمت: ۹۷۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۲۸۰۳۰۹۰
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰
فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های جامعه‌شناسی و مطالعات زنان تدوین شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از نویسنده محترم جناب آقای حسین بستان تشکر کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنا دار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای

جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است. از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
بخش یکم: ازدواج / ۵	
فصل اول: سن ازدواج	۹
مقدمه	۹
۱-۱. سن قانونی ازدواج	۹
۱-۲. سن واقعی ازدواج	۱۱
۱-۳. عوامل افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر	۱۲
الف) مشکلات اقتصادی	۱۲
ب) تحصیل علم	۱۳
ج) آزادی روابط جنسی	۱۴
د) ارزش‌ها و آداب و رسوم	۱۵
ه) تحلیل و ارزیابی	۱۶
۱-۴. فاصله سنی همسران	۱۸
چکیده	۲۰
خودآزمایی	۲۰
موضوع تحقیق	۲۱
فصل دوم: قواعد همسرگزینی	۲۲
مقدمه	۲۲
۲-۱. محرمیت	۲۳
۲-۲. برون‌همسری و درون‌همسری	۲۷
۲-۳. همسان‌همسری	۳۰
الف) همسانی در سن	۳۰
ب) همسانی در محل سکونت	۳۱

۳۱	ج) همسانی در دین
۳۲	د) همسانی در نژاد و قومیت
۳۲	ه) همسانی در طبقه اجتماعی
۳۳	و) همسانی در تحصیلات
۳۵	چکیده
۳۶	خودآزمایی
۳۶	موضوع تحقیق
۳۷	فصل سوم: الگوها و آداب و رسوم ازدواج
۳۷	مقدمه
۳۷	۱-۳. الگوهای همسرگزینی
۴۳	۲-۳. پیشنهاد ازدواج
۴۵	۳-۳. عقد ازدواج
۴۶	۴-۳. جشن عروسی
۴۷	۵-۳. مهریه و جهیزیه
۴۹	چکیده
۵۰	خودآزمایی
۵۰	موضوع تحقیق

بخش دوم: ساختار خانواده / ۵۱

۵۵	فصل چهارم: انواع خانواده
۵۵	مقدمه
۵۵	۱-۴. خانواده هسته‌ای/گسترده
۵۸	۲-۴. خانواده پدرسالار/مادرسالار
۵۹	۳-۴. خانواده و مکان سکونت
۶۰	۴-۴. خانواده تک‌همسر/چندهمسر
۶۱	۵-۴. خانواده تک‌والدی
۶۲	۶-۴. خانواده ناتنی
۶۳	۷-۴. الگوهای جایگزین خانواده
۶۳	الف) هم‌خانگی
۶۵	ب) کمون
۶۵	ج) زوج‌های همجنس‌گرا
۶۶	چکیده
۶۷	خودآزمایی
۶۷	موضوع تحقیق

۶۸	فصل پنجم: تقسیم کار در خانواده
۶۸	مقدمه
۶۸	۱-۵. توصیفی از تقسیم کار در خانواده
۷۱	۲-۵. نظریه‌های تقسیم کار در خانواده
۷۱	الف) نظریه‌های زیست‌شناختی
۷۳	ب) نظریه‌های روان‌شناختی
۷۴	ج) نظریه‌های جامعه‌شناختی
۷۷	۳-۵. دیدگاه اسلام
۸۱	چکیده
۸۱	خودآزمایی
۸۲	موضوع تحقیق
۸۳	فصل ششم: توزیع قدرت در خانواده
۸۳	مقدمه
۸۳	۱-۶. مفهوم‌شناسی
۸۵	۲-۶. توصیفی از توزیع قدرت در خانواده
۸۶	۳-۶. نظریه‌های توزیع قدرت در خانواده
۸۷	الف) نظریه‌های زیست‌شناختی
۸۸	ب) نظریه‌های روان‌شناختی
۸۹	ج) نظریه‌های جامعه‌شناختی
۹۱	۴-۶. دیدگاه اسلام
۹۵	چکیده
۹۶	خودآزمایی
۹۶	موضوع تحقیق

بخش سوم: کارکردهای خانواده / ۹۷

۱۰۱	فصل هفتم: کارکردهای زیستی - اجتماعی خانواده
۱۰۱	مقدمه
۱۰۱	۱-۷. تنظیم رفتار جنسی
۱۰۳	۲-۷. تولیدمثل
۱۰۹	۳-۷. مراقبت از فرزندان و سالمندان
۱۱۴	چکیده
۱۱۴	خودآزمایی
۱۱۴	موضوع تحقیق

۱۱۵	فصل هشتم: کارکردهای حمایتی خانواده
۱۱۵	مقدمه
۱۱۵	۱-۸. حمایت معنوی
۱۱۶	۲-۸. حمایت عاطفی
۱۱۶	الف) حمایت عاطفی در روابط همسران
۱۲۰	ب) حمایت عاطفی در روابط والدین و فرزندان
۱۲۳	۳-۸. حمایت معیشتی
۱۲۷	چکیده
۱۲۸	خودآزمایی
۱۲۸	موضوع تحقیق
۱۲۹	فصل نهم: کارکردهای تربیتی و کنترلی خانواده
۱۲۹	مقدمه
۱۲۹	۱-۹. جامعه‌پذیری
۱۳۶	۲-۹. کنترل اجتماعی
۱۳۶	الف) کنترل همسران
۱۳۸	ب) کنترل فرزندان
۱۴۱	چکیده
۱۴۲	خودآزمایی
۱۴۲	موضوع تحقیق
بخش چهارم: آسیب‌شناسی خانواده و راهکارهای تحکیم آن / ۱۴۳	
۱۴۷	فصل دهم: خشونت خانگی
۱۴۷	مقدمه
۱۴۷	۱-۱۰. توصیفی از خشونت خانگی
۱۵۱	۲-۱۰. تبیین خشونت خانگی
۱۵۲	الف) تبیین علی خردنگر
۱۵۳	ب) تبیین علی کلان‌نگر
۱۵۵	ج) تبیین غایت‌شناختی
۱۵۶	۳-۱۰. دیدگاه اسلام
۱۵۹	چکیده
۱۶۰	خودآزمایی
۱۶۰	موضوع تحقیق
۱۶۱	فصل یازدهم: طلاق
۱۶۱	مقدمه

۱۶۱	۱-۱۱. تعریف طلاق
۱۶۳	۲-۱۱. توصیفی از پدیده طلاق
۱۶۴	۳-۱۱. عوامل رشد میزان طلاق در دهه‌های اخیر
۱۶۴	الف) تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج
۱۶۵	ب) قبح‌زدایی از طلاق
۱۶۵	ج) تغییر ساختار خانواده
۱۶۶	د) تغییر نقش‌های جنسیتی
۱۶۶	ه) استقلال اقتصادی زنان
۱۶۷	و) رفاه اقتصادی
۱۶۷	ز) آزادی روابط جنسی
۱۶۸	ح) تغییر قانون‌های طلاق
۱۶۸	ط) تغییرات جمعیتی
۱۶۹	۴-۱۱. دیدگاه اسلام
۱۶۹	الف) ارزش‌گذاری طلاق
۱۷۰	ب) حق زن و شوهر در طلاق
۱۷۳	ج) راهکارهای کاهش طلاق
۱۷۳	چکیده
۱۷۴	خودآزمایی
۱۷۴	موضوع تحقیق
۱۷۵	فصل دوازدهم: راهکارهای تحکیم خانواده
۱۷۵	مقدمه
۱۷۵	۱-۱۲. اصلاح فرایند همسرگزینی
۱۷۶	الف) انتخاب آگاهانه
۱۷۷	ب) احترام به نظر دختر و پسر
۱۷۸	ج) احراز رشد دختر و پسر
۱۷۸	د) رعایت همسان‌همسری
۱۷۹	۲-۱۲. آموزش همسران
۱۸۰	۳-۱۲. اصلاح نگرش‌ها
۱۸۲	۴-۱۲. تنظیم امور جنسی
۱۸۲	الف) ارضای نیاز جنسی
۱۸۲	ب) محدودیت روابط جنسی
۱۸۴	ج) محدودیت اختلاط زن و مرد
۱۸۴	۵-۱۲. فرزندآوری
۱۸۵	۶-۱۲. حمایت اجتماعی

۱۸۷ نظارت اجتماعی
۱۸۷ ۸-۱۲. تقویت دینداری
۱۸۸ چکیده
۱۸۹ خودآزمایی
۱۸۹ موضوع تحقیق

بخش پنجم: چشم‌انداز نظری جامعه‌شناسی خانواده / ۱۹۱

۱۹۵ فصل سیزدهم: نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده
۱۹۵ مقدمه
۱۹۶ ۱-۱۳. نظریهٔ مبادلهٔ اجتماعی
۱۹۹ ۲-۱۳. نظریهٔ کارکردگرایی
۲۰۱ ۳-۱۳. نظریهٔ کنش متقابل نمادین
۲۰۳ ۴-۱۳. نظریهٔ ستیز اجتماعی
۲۰۵ ۵-۱۳. نظریهٔ فمینیستی
۲۰۷ چکیده
۲۰۸ خودآزمایی
۲۰۸ موضوع تحقیق

۲۰۹ فصل چهاردهم: مبانی فلسفی و ایدئولوژیک جامعه‌شناسی خانواده
۲۰۹ مقدمه
۲۱۰ ۱-۱۴. نادیده گرفتن عنصر فطرت
۲۱۲ ۲-۱۴. کم‌توجهی به تفاوت‌های جنسی طبیعی
۲۱۵ ۳-۱۴. بینش سکولاریستی
۲۱۷ ۴-۱۴. نسبی‌گرایی ارزشی
۲۲۱ چکیده
۲۲۲ خودآزمایی
۲۲۲ موضوع تحقیق

۲۲۳ فصل پانزدهم: نظریهٔ خانواده در اندیشهٔ متفکران مسلمان
۲۲۳ مقدمه
۲۲۴ ۱-۱۵. مفروضات نظریهٔ پیوند فطری
۲۲۵ ۲-۱۵. عناصر اصلی نظریهٔ پیوند فطری
۲۲۶ الف) عوامل اولیهٔ استحکام خانواده
۲۲۷ ب) عوامل ثانویهٔ استحکام خانواده
۲۲۹ ج) عوامل پشتیبان
۲۳۱ ۳-۱۵. تبیین بی‌ثباتی خانواده در دوران معاصر

۲۳۵	چکیده
۲۳۵	خودآزمایی
۲۳۶	موضوع تحقیق
۲۳۷	منابع و مآخذ
۲۴۵	نمایه‌ها
۲۴۵	روایات
۲۴۷	اعلام
۲۴۹	موضوعات

پیشگفتار

«خانواده»، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه‌اش همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی بوده است. از یک‌سو، تأثیر متقابل خانواده با بخش‌های دیگر جامعه، و از سوی دیگر، پایداری و پابندی آن در طول اعصار و قرون، بسیاری از اندیشمندان را بر آن داشته تا با رویکردهای مختلف به مطالعه آن همّت گمارند. گذشته از رویکردهای دینی، اخلاقی، فلسفی و حقوقی که در دوره‌های پیشین غلبه داشته‌اند، از قرن نوزدهم میلادی شاهد گسترش رویکردهای تاریخی، مردم‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به خانواده بوده‌ایم.

جامعه‌شناسی برحسب تعاریف رایج، دانشی نظری است که با بهره‌گیری از انواع گوناگون روش تجربی به توصیف و تبیین کنش‌ها و نهادهای اجتماعی می‌پردازد. نتایج کاربردی این رشته علمی در سیاست‌ها و راهبردهایی تجلی می‌یابد که به منظور بهبود اوضاع اجتماعی از سوی کارشناسان ارائه می‌شوند. از سوی دیگر، اسلام به دلیل آنکه درصدد ارائه برنامه‌ای همه‌جانبه برای تأمین سعادت فردی و اجتماعی انسان بوده است، در قالب مجموعه گسترده‌ای از آیات و روایات، جهت‌گیری خود درباره مسائل گوناگون خانواده را گاه در شکل گزاره‌های توصیفی و اغلب در شکل گزاره‌های هنجاری — اخلاقی یا حقوقی — به نمایش گذاشته است.

در نتیجه، می‌توان انتظار داشت نقاط تلاقی بی‌شماری میان گزاره‌های معطوف به خانواده در این برنامه جامع دینی و گزاره‌های جامعه‌شناسی خانواده پدید آید و همین نکته، زمینه مناسب و انگیزه لازم برای ورود به مطالعات میان‌رشته‌ای با تلفیق رویکردهای دینی و جامعه‌شناختی را فراهم می‌آورد؛ زیرا این‌گونه مطالعات نقش بسیار مؤثری در گسترش مرزهای دانش در حوزه علوم انسانی ایفا می‌کنند. در واقع، آثاری از این دست می‌توانند راه را برای رسیدن به دو هدف

اساسی در این حوزه هموار کنند؛ نخست، تثبیت اندیشه علوم انسانی اسلامی و به‌طور خاص، پارادایم جامعه‌شناسی اسلامی در مجامع علمی که ضرورت آن در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. دوم، بومی‌سازی علوم انسانی که در مقایسه با هدف نخست، موافقان بیشتری دارد؛ چرا که کاستی‌های علوم انسانی غیر بومی امروزه آشکارتر شده است.

به‌طور خاص در زمینه جامعه‌شناسی خانواده، بخش قابل توجهی از مباحث را مباحثی تشکیل می‌دهند که با فضای کلی جوامع اسلامی تناسب ندارند، هرچند ممکن است در برخی گروه‌ها و اقشار غربزده در این جوامع رخنه کرده باشند، که از جمله می‌توان به مباحث راجع به عشق رمانتیک، هم‌خانگی، خانواده‌های همجنس‌گرا و تضاد عشق و والدگری اشاره کرد. از سوی دیگر، خانواده در جوامع اسلامی با مسائل متعددی روبه‌روست که جامعه‌شناسی خانواده هنوز به بررسی عمیق آنها نپرداخته است، که کارکردهای نفقه، غیرت، حجاب، محدودیت‌های ارتباطی زنان و مردان، تربیت اسلامی فرزندان، ازدواج موقت، چندهمسری، نمونه‌هایی از این مسائل اند. از آنجا که واقعیات اجتماعی تا حد زیاد برآیند ارزش‌های اجتماعی‌اند و با توجه به تفاوت ارزش‌های فرهنگی جوامع، کاملاً طبیعی است که جامعه‌شناسی خانواده به عنوان علمی که در شکل نوین آن در غرب پدید آمده، ناظر به خانواده آرمانی غربی و معطوف به حل مسائل و مشکلاتی باشد که در فرهنگ غرب و خانواده غربی پدید آمده‌اند و این مسائل و مشکلات چه‌بسا در جوامع دیگر از اساس مسئله و مشکل به حساب نیایند.

از این گذشته، حتی زمانی که جامعه‌شناس به بررسی جوامع غیر غربی می‌پردازد، معمولاً از همان مفاهیم و چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی غربی بهره می‌جوید که این نیز مانعی مهم در برابر فهم صحیح واقعیات این جوامع است. برای مثال، هنگامی که جامعه‌شناس خانواده، پاره‌ای از مفاهیم برآمده از فرهنگ غرب همچون پدرسالاری و تبعیض جنسی را برای تجزیه و تحلیل روابط خانوادگی در جوامع اسلامی به کار می‌گیرد، این مشکل بروز می‌کند.

کتاب حاضر، تلخیص و در عین حال، تکمیل کتاب اسلام و جامعه‌شناسی خانواده است که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۸۳ منتشر شد. مباحث این کتاب در قالب پنج بخش و پانزده فصل تنظیم شده است؛ بخش نخست به بررسی موضوع ازدواج می‌پردازد؛ در بخش دوم، ساختار خانواده و در بخش سوم، کارکردهای خانواده بررسی خواهد شد؛ بخش چهارم، به برخی مباحث مهم در حوزه آسیب‌شناسی خانواده و راهکارهای تحکیم آن اختصاص دارد و سرانجام بخش پنجم، به پاره‌ای مباحث نظری در حوزه جامعه‌شناسی خانواده می‌پردازد.

شیوه طرح مباحث بدین گونه است که در ذیل هر موضوع، ابتدا چشم انداز کلی بحث را از منظر جامعه‌شناختی و با اشاره به دیدگاه‌های نظری و یافته‌های تجربی موجود، ترسیم و سپس گزاره‌ها و نکات قابل استفاده از متون اصلی اسلام، یعنی قرآن کریم و روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) را در ارتباط با آن بحث ارائه می‌کنیم.

در اینجا لازم می‌دانم قدردانی و سپاسگزاری خود را از همه مسئولان، همکاران و کارکنان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در به انجام رسیدن این کار سهیم بودند، ابراز کنم و توفیق همگان را در خدمت به اسلام عزیز از خداوند متعال مسئلت نمایم.

حسین بستان (نجفی)

زمستان ۱۳۹۰

بخش یکم

ازدواج

نهاد ازدواج و تشکیل خانواده، جزء نهادهای جهان شمول به شمار می‌آید. در عین حال، تاریخ‌نویسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان، الگوهای بسیار متنوع این نهاد را در گذشته و حال به تصویر کشیده‌اند که این امر از وضوح مفهومی آن می‌کاهد. از این رو، پیش از هر بحثی لازم است بررسی مفهومی کوتاهی درباره مفهوم ازدواج داشته باشیم.

تعریف‌های متعددی از مفهوم ازدواج ارائه شده است که در اینجا به سه نمونه اشاره می‌شود:

— «ازدواج می‌تواند به عنوان پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده میان دو فرد بزرگسال تعریف شود».^۱

— «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل میان دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است».^۲

— «ازدواج یک معامله است و موجب قراردادی می‌شود که به موجب آن، یک مرد ادعایی همیشگی را نسبت به حق دسترسی جنسی به یک زن ایجاد می‌کند. این حق بر حقوق دستیابی جنسی‌ای که دیگران اکنون دارند، مقدم است».^۳

تعریف‌هایی از این دست در مجموع بر چهار ویژگی مهم — ارتباط جسمانی، تخالف جنسی، پایداری و قرارداد اجتماعی — تأکید دارند. برحسب این تعریف‌ها، برای تحقق ازدواج، پیوند

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۱۸۵.

۲. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۳.

3. Fox (ed.), *Family Patterns, Gender Relations*, p.5.

میان دو جنس مخالف بر پایه روابط پایای جنسی ضرورت دارد؛ بنابراین، رابطه دو فرد از یک جنس، ازدواج خوانده نمی‌شود، چنان که روابط جنسی غیر پایا ازدواج نخواهد بود. افزون بر این، ازدواج منوط به انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب گردد؛ یعنی در راه تحقق ازدواج باید شاهد تصویب جامعه نیز باشیم.^۱

در یک ارزیابی کلی، با توجه به تنوع الگوهای ازدواج و وجود ارزش‌گذاری‌های متناقض نسبت به هر یک از الگوها، به نظر می‌رسد ارائه تعریفی جامع از این مفهوم بسیار دشوار یا ناممکن است. نمونه‌هایی از قبیل مشروعیت چندهمسری در بسیاری از جوامع، مشروعیت ازدواج موقت در اسلام، تأیید ازدواج دو همجنس از سوی برخی نحله‌های جدید و برخی دولت‌های غربی و پیدایش کمون‌های جنسی در برخی جوامع، جامعیت تعریف‌های ازدواج را در معرض تردید قرار می‌دهند. حتی برخی تمایل دارند هم‌خانگی یا زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج^۲ را که معمولاً به عنوان الگویی مقابل ازدواج مطرح می‌شود، در قالب مفهوم ازدواج بگنجانند. آنان با استناد به اینکه زوج‌های هم‌خانه معمولاً روابطی بلندمدت با یکدیگر دارند و در دهه‌های اخیر به تدریج از حقوق همسران نیز برخوردار گردیده‌اند، ادعای تغییر مفهوم ازدواج را مطرح می‌کنند.^۳ بنابراین، تأثیر فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های ارزشی گوناگون در تعریف ازدواج، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و بدین لحاظ، مفهوم این واژه با نوعی نسبیّت توأم خواهد شد.

از این رو، در مقام ارائه تعریفی منطبق با شریعت اسلام (از دیدگاه شیعه) می‌توان گفت: «ازدواج، قراردادی مشروع است که دو فرد ناهمجنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می‌دهد و برقراری ارتباط جنسی دائم یا موقت میان آنان را مجاز می‌گرداند».

در این بخش، به بررسی موضوع ازدواج در قالب سه مبحث: سن ازدواج، قواعد همسرگزینی و الگوها و آداب و رسوم ازدواج می‌پردازیم.

۱. ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۳.

2. cohabitation

3. Lawson and Garrod, *Dictionary of Sociology*, p.146.

فصل اول

سن ازدواج

اهداف آموزشی فصل اول

- آشنایی با ابعاد جامعه‌شناختی سن ازدواج و دیدگاه کلی اسلام در این زمینه
- براساس هدف مرحله‌ای این فصل، انتظار از فراگیر آن است که پس از مطالعه مطالب این فصل به اهداف آموزشی ذیل دست یابد و بتواند:
۱. میان مباحث سن قانونی و سن واقعی ازدواج تفکیک کند؛
 ۲. عوامل افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر را بیان کند؛
 ۳. براساس دیدگاه اسلام، برای کاهش سن ازدواج راهکار ارائه دهد؛
 ۴. در مورد عوامل شکل‌گیری هنجار فاصله سنی بین همسران توضیح دهد.

مقدمه

در این فصل پس از اشاره‌ای به مفهوم سن ازدواج، به بررسی مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر، شامل مشکلات اقتصادی، تحصیلات عالی، آزادی‌های جنسی و ارزش‌ها و آداب و رسوم پرداخته و در پایان اشاره‌ای به هنجار فاصله سنی میان همسران و ریشه‌های آن خواهیم داشت، ضمن آنکه دیدگاه اسلام در ارتباط با این دو موضوع بیان خواهد شد.

۱-۱. سن قانونی ازدواج

تعبیر «سن ازدواج» گاه در معنای سن قانونی ازدواج به کار می‌رود که ناظر به دو قاعده حقوقی مستقل است: قاعده‌ای راجع به کمترین حد سن ازدواج و قاعده دیگری در مورد سن اهلیت کامل ازدواج. قاعده نخست، یعنی کمترین حد سن ازدواج؛ به سنی اشاره دارد که افراد تا قبل

از رسیدن به آن، مجاز به داشتن همسر نیستند که این پایه سنی در بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر، همزمان با بلوغ جنسی یا اندکی پیش یا پس از آن تعیین شده است. قاعده دوم نیز به سن بلوغ قانونی اشاره دارد که در آن، پسر یا دختر از اهلیت کامل برای ازدواج برخوردار می‌شوند. بسیاری از کشورهای خاورمیانه بر پایه دو قاعده مزبور، ازدواج کسانی را که کمترین حد سن ازدواج را دارا هستند، ولی به سن اهلیت کامل نرسیده‌اند، فقط با اجازه دادگاه و اغلب به شرط رضایت ولی دختر مجاز می‌دانند، اما ازدواج قبل از بلوغ جنسی را مطلقاً به رسمیت نمی‌شناسند.^۱

تفکیک میان دو قاعده یادشده در قوانین ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز لحاظ شده بود، اما به موجب قوانین پس از انقلاب اسلامی و با پیروی از احکام فقه شیعه، قاعده سن اهلیت کامل ازدواج لغو شد، همچنان که نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و وجود مصلحت مجاز دانسته شد^۲ که این نیز به معنای لغو قاعده کمترین حد سن ازدواج بود.

از منظر فقهی، با توجه به اینکه در نظام حقوقی اسلام، ازدواج کودکان با رعایت مصلحت آنان مجاز شمرده شده و اولیای آنها می‌توانند آنان را به ازدواج یکدیگر درآورند، به همین نتیجه می‌رسیم که اسلام حداقلی برای سن ازدواج تعیین نکرده است. بی‌شک، تجویز ازدواج کودکان در اسلام به معنای تجویز ارضای نیاز جنسی در دوران کودکی نبوده، بلکه صرفاً به جهت فراهم نمودن امکان تأمین پاره‌ای از کارکردهای دیگر ازدواج، مانند حمایت و مراقبت از کودک، انتقال ارث و ایجاد همبستگی بین خانواده‌ها و قبایل، که به‌ویژه در جوامع سنتی دارای اهمیت زیادی بوده‌اند، صورت گرفته است. با این حال، به دلیل فقدان جاذبه‌های نیرومند جنسی و عاطفی میان کودکان و کم بودن احتمال الفت‌گیری آنان با یکدیگر، در اسلام نگرش مثبتی نسبت به ازدواج کودکان، به‌ویژه کودکان کم‌سن و سال دیده نمی‌شود. براساس روایتی معتبر، نظر یکی از امامان (ع) را درباره ازدواج خردسالان می‌پرسند. آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: «اگر در خردسالی به ازدواج درآورده شوند، بعید است که با یکدیگر الفت گیرند».^۳

۱. اندرسون، تحولات حقوقی جهان اسلام، ص ۱۵۶.

۲. برحسب آخرین اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که در سال ۱۳۷۹ ش صورت گرفت، «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

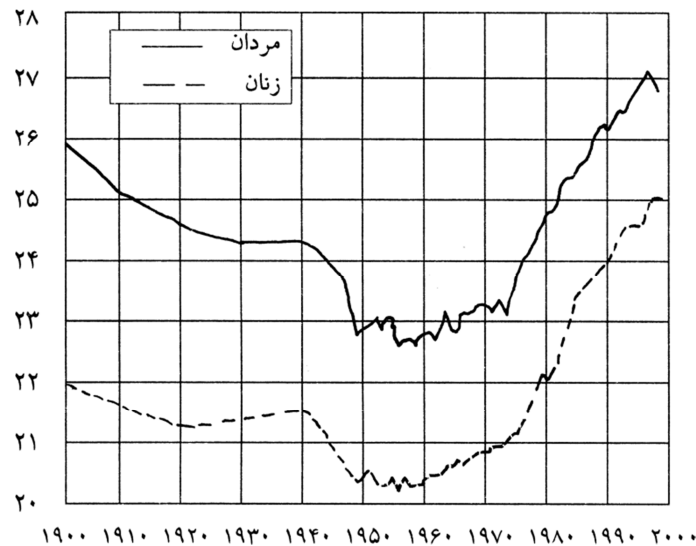
۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۲.

در مورد قاعده دوم، اسلام معیار اهلیت کامل شخص برای ازدواج را رسیدن به بلوغ جنسی به انضمام رشد قرار داده است. این در حالی است که احراز بلوغ جنسی تنها بر پایه سن بلوغ صورت نمی‌گیرد؛ زیرا سن بلوغ تنها یکی از چند نشانه بلوغ است که در فقه اسلامی مقرر گردیده و رشد نیز حد سنی ندارد. در نتیجه می‌توان گفت اسلام برای اهلیت کامل ازدواج نیز معیار سنی مشخصی تعیین نکرده است.

۲-۱. سن واقعی ازدواج

سن واقعی ازدواج به سنی اشاره دارد که افراد در آن عملاً به ازدواج اقدام می‌کنند. مقتضای طبیعت انسان این است که هر گاه به بلوغ جنسی رسید، به ارضای نیاز جنسی اقدام کند، ولی از آنجا که ازدواج به عنوان شیوه بهنجار ارضای این نیاز، تنها بعد زیستی ندارد و مانند دیگر امور انسانی تحت تأثیر و هدایت فرهنگ قرار دارد، معمولاً بلوغ جنسی شرط کافی برای ازدواج نیست و بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز ضروری تلقی می‌شود. بلوغ جنسی بیشتر به سن و شرایط غذایی و اقلیمی وابسته است؛ بلوغ اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که شخص بتواند هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند؛ بلوغ اجتماعی نیز به معنای کسب شناخت کافی از قواعد و هنجارهای اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری در مواقع لزوم است، به گونه‌ای که فرد بتواند در نظر عرف و قانون، مسئولیت تعهدات خویش را در قبال دیگران بپذیرد.

از آنجا که با پیچیده‌تر شدن جوامع، انتقال از دوره کودکی به دوره بزرگسالی دشوارتر و مستلزم کسب آموزش‌ها و مهارت‌های بیشتری شده است، فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی - اقتصادی در جوامع جدید محسوس‌تر گشته، خود را در طولانی شدن دوره نوجوانی و افزایش سن ازدواج، نشان داده است. سن ازدواج در هر جامعه‌ای بر حسب شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه تعیین می‌شود. سن ازدواج نه تنها در جوامع گوناگون متفاوت است، بلکه در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند و بر طبق شرایط یادشده، کم یا زیاد می‌شود.



نمودار ۱: میانگین سن نخستین ازدواج در آمریکا، به تفکیک جنس (۱۹۹۸-۱۹۰۰)

منبع: www.u.s.bureau of the census

۳-۱. عوامل افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر

عوامل گوناگونی باعث افزایش سن ازدواج در دهه‌های اخیر شده‌اند که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) مشکلات اقتصادی

در بسیاری از جوامع، پذیرش نقش شوهری بدین معناست که شوهر متعهد می‌شود هزینه‌های خانواده تازه تأسیس را تأمین کند. در واقع، این‌گونه الزامات از پیش به وسیله عرف، شرع و یا قانون تعیین می‌شوند. هزینه‌های مالی یک خانواده نیز بسیار گسترده و متنوع است: هزینه‌های مسکن، خوراک، پوشاک، درمان، تفریح اعضای خانواده، تحصیل فرزندان، رفت و آمد و... روشن است که تأمین کامل چنین هزینه‌هایی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مردان به مشاغلی با درآمد کافی دسترسی داشته باشند. در غیر این صورت، ناگزیر خواهند بود یا زندگی فقیرانه‌ای را پس از ازدواج در پیش گیرند، و یا اصلاً تا زمانی که شغلی مناسب به دست نیآورده‌اند، ازدواج نکنند، که بیشتر افراد گزینه دوم را برمی‌گزینند.

برحسب نمودار (۱-۱)، در سال ۱۹۵۶م، میانگین سن ازدواج در آمریکا به پایین‌ترین حد خود رسید (برای مردان ۲۲/۵ و برای زنان ۲۰/۱ سالگی) و مهم‌ترین دلیل آن این بود که رشد اقتصادی این کشور پس از جنگ (جنگ جهانی دوم) موجب شد که مردان، به‌ویژه جوانان، بتوانند به راحتی شغل مناسب و درآمد کافی برای اداره خانواده به دست آورند. از دهه ۱۹۶۰م، سن ازدواج رو به افزایش گذاشت و عامل عمده این بود که دستمزد مردان جوان، به‌ویژه کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردار بودند، کاهش یافت. این نتیجه‌گیری با تحقیقاتی که در کشورهای دیگر، از جمله ژاپن و هندوستان، انجام گرفته نیز تأیید شده است.^۱ به‌طور کلی، می‌توان گفت هر گاه ساختار اقتصادی جامعه نتواند برای جوانان واقع‌شده در سن ازدواج، شغل و درآمد کافی فراهم کند، در شرایط عادی سن ازدواج افزایش می‌یابد و در مقابل با بهبود وضع اشتغال و درآمد، سن ازدواج رو به کاهش می‌گذارد.

با توجه به این واقعیت که زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل، اغلب دیرتر به ازدواج اقدام می‌کنند، روشن است که فرضیه یادشده به اشتغال مردان جوان اختصاص دارد و درباره اشتغال زنان صادق نیست، خواه فراهم شدن زمینه اشتغال زنان را از عوامل افزایش سن ازدواج بدانیم، خواه این نظر را بپذیریم که دو پدیده یادشده، هر دو از روند دیگری ناشی می‌شوند و آن دشواری بیشتر دستیابی به سبک زندگی مورد انتظار برای نسل‌های جدید است. به هر تقدیر، تبیین صرفاً اقتصادی از همبستگی میان اشتغال زنان و افزایش سن ازدواج، قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد و از این رو، صاحب‌نظران با تأکید بر نقش عناصر فرهنگی، اظهار عقیده کرده‌اند که اشتغال، جایگزین دیگری برای ازدواج فراروی زنان قرار می‌دهد و زنان غربی به این دلیل که مزایای اقتصادی اشتغال، به تدریج امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برای آنان فراهم می‌آورد، به اهداف شغلی اولویت بیشتری داده، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند.^۲

ب) تحصیل علم

در جوامع سنتی، آموزش فنون و مهارت‌ها از دوران کودکی و به صورت غیر رسمی آغاز می‌شد و زمانی که کودکان به سن نوجوانی می‌رسیدند، معمولاً با مهارت‌های شغلی آشنایی داشتند و نیازی نبود که پس از بلوغ نیز سالیانی را صرف یادگیری فنون و مهارت‌های مورد نیاز کنند.

۱. میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۱۴۶.

2. Wilkie, "Marriage, Family Life, and Women's Employment", *Marriage and Family in Transition*, p.145.

اما جوامع جدید چنان پیچیده شده‌اند که داشتن یک زندگی قابل قبول و متناسب با توقعات جامعه در این‌گونه جوامع، اغلب مستلزم گذراندن یک دوره بلندمدت تحصیلی است. کسب مدارک تحصیلی موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد و زمینه استخدام آسان‌تر آنها را در مراکز اداری، کارخانه‌ها و... فراهم می‌کند؛ بنابراین، جوانان برای آنکه بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار شوند، ناگزیرند دهه سوم زندگی خود را نیز برای تحصیل صرف کنند. اشتغال به تحصیل، امکان ازدواج بسیاری از جوانان را از میان می‌برد؛ زیرا جوانانی که از امکانات مالی خوبی برخوردار نیستند، نمی‌توانند در زمان تحصیل، هزینه یک خانواده را نیز تأمین کنند. اما تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این جهت اهمیت یافته که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند.

ج) آزادی روابط جنسی

با توجه به این واقعیت که نیاز جنسی همواره از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج بوده است، اگر جامعه‌ای به اعضای خود اجازه دهد بدون ازدواج و پذیرش مسئولیت‌های آن، با یکدیگر روابط جنسی برقرار کنند، قهراً دستیابی به شریک جنسی، دیگر نمی‌تواند انگیزه اولیه ازدواج باشد و در نتیجه، شمار بسیاری از جوانان با خودداری از ازدواج، نیاز جنسی خویش را به شیوه‌های کم‌هزینه‌تر برآورده خواهند کرد. به همین دلیل، در جوامع غربی که ازدواج همچنان ارزش اجتماعی خود را به‌طور نسبی حفظ کرده است، به موازات رشد هم‌خانگی، شاهد بالا رفتن سن ازدواج در دهه‌های اخیر هستیم.^۱ در سال ۱۹۶۰م تعداد ۴۳۹ هزار خانوار متشکل از زن و مرد ازدواج‌نکرده در آمریکا زندگی می‌کرده‌اند، در حالی که این رقم در سال ۱۹۹۸م به ۴ میلیون و ۲۳۶ هزار رسیده است.^۲ افزون بر این، آزمایش میزان همسانی و سازگاری از جمله دلایلی است که بسیاری از زوج‌های هم‌خانه که بعدها با یکدیگر ازدواج می‌کنند، برای تأخیر ازدواجشان مطرح می‌نمایند.^۳

1. Spanier, "Cohabitation: Recent Changes in the U.S.", *Marriage and Family in Transition*, pp.98-99.

2. <http://www.U.S.Bureau of the Census>.

3. McRae, "Cohabitation or Marriage? Cohabitation", *The Sociology of the Family*, p.184.

د) ارزش‌ها و آداب و رسوم

بی‌شک، فرهنگ یک جامعه از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج در آن جامعه است و عوامل پیشین نیز ارتباط تنگاتنگی با تغییرات فرهنگی جوامع دارند. ارزش‌های پذیرفته‌شده در جامعه، مجموعه‌ای از بایسته‌های ازدواج از جمله سن مناسب آن را تعیین می‌کنند.

در این راستا لازم است به آداب و رسوم و تشریفات دست و پاگیری اشاره شود که گاه در میان مردم رواج می‌یابند؛ برای مثال، در جامعه ایران، مهریه سنگین، شیربها، جهیزیه کمرشکن، مراسم عروسی پرهزینه، توقعات زیاد از داماد در مورد شغل، مسکن، اتومبیل و... معمولاً موجب می‌شود زوج‌های جوان نتوانند در زمان دلخواه به ازدواج اقدام کنند؛ زیرا خود آنها و چه بسا والدین آنها ناگزیرند زمان بسیاری را صرف کار و تلاش در جهت برآوردن الزامات و تأمین هزینه‌های آن کنند. در کشورهای غربی نیز با وجود رفاه نسبی ایجادشده برای بسیاری از افراد و به‌رغم آنکه پاره‌ای از این قبیل آداب و رسوم، اهمیت پیشین را ندارند، هزینه‌های سنگین عروسی از جمله دلایلی است که بسیاری از جوانان برای تأخیر ازدواج خود بیان می‌دارند.^۱

از این گذشته، ارزش‌های جدید فرهنگی ناشی از رواج اندیشه‌های فردگرایانه و آزادی‌خواهانه نیز نقش مهمی در کاهش انگیزه ازدواج برای بسیاری از جوانان ایفا کرده‌اند. از آنجا که ازدواج در جوامع غربی همچنان به عنوان یک ارزش اجتماعی مطرح است و بیشتر افراد سرانجام به ازدواج روی می‌آورند،^۲ در نتیجه به جای آنکه شاهد محو سنت ازدواج باشیم، با افزایش سن ازدواج روبه‌رو بوده‌ایم.

1. Ibid, p.180.

۲. برای نمونه، در بریتانیا همچنان وضع از این قرار است که بیشتر مردم برای بخشی از زندگی بزرگسالی‌شان خانواده هسته‌ای تشکیل می‌دهند و از هر ده نفر، نه نفر روزی در زندگی‌شان ازدواج می‌کنند. در سال ۱۹۸۱م فقط ۶ درصد زنان و ۱۰ درصد مردان در ۳۵ تا ۴۴ سالگی هیچ‌گاه ازدواج نکرده بودند (ابوت و والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ص ۱۷۲ و ۱۷۳). همچنین، بازنگری داده‌های نزدیک به پنجاه پیمایش که میان سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۸۸م در فرانسه به انجام رسیده، نشان می‌دهد که مردم این کشور به این عقیده که خانواده، ارزشی اساسی و واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر است، همچنان پایبندند (ر.ک:

Le Gall, "Family Conflict in France through the Eyes of Teenagers", *Multidisciplinary Perspective on Family Violence*, p.80).

ه) تحلیل و ارزیابی

در تحلیل و ارزیابی این مسئله دو نکته را باید یادآور شد: نخست آنکه سن ازدواج مردان و زنان باید به‌طور جداگانه بررسی شود؛ زیرا افزایش سن ازدواج مردان و زنان همواره به صورت موازی و هماهنگ رخ نمی‌دهد و این بیانگر وجود برخی عوامل متفاوت است که روند افزایش سن ازدواج را در مردان و زنان متمایز می‌کنند. برای نمونه، در ایران، در سال ۱۳۴۵ ش میانگین سن نخستین ازدواج برای مردان، ۲۵ سال و برای زنان ۱۸/۴ سال بوده است، اما در سال ۱۳۶۵ ش، به ۲۳/۶ برای مردان و ۱۹/۸ برای زنان رسیده و در سال ۱۳۷۵ ش، به ۲۵/۶ برای مردان و ۲۲/۴ برای زنان افزایش یافته است و این نشان می‌دهد که افزایش سن ازدواج، بیشتر در مورد زنان روی داده است تا مردان؛ زیرا برخلاف سن ازدواج زنان که طی دهه‌های گذشته همواره در حال افزایش بوده، سن ازدواج مردان پس از یک دوره کاهش، قدری افزایش یافته و در مقایسه میانگین سن ازدواج مردان در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ نیز افزایش بارزی دیده نمی‌شود، در حالی که در مورد زنان، شاهد یک افزایش چهارساله هستیم^۱ و احتمالاً آمارهای جدیدتر تداوم این روند افزایش را نشان خواهند داد. بنابراین، به نظر می‌رسد در جامعه‌ای مانند ایران از میان عوامل پیش‌گفته باید بر بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، به عنوان مهم‌ترین عامل افزایش سن ازدواج تأکید کرد.

نکته دوم آن است که به نظر می‌آید بسیاری از صاحب‌نظران مسائل خانواده، بالا رفتن سن ازدواج را به عنوان یکی از نیازهای ضروری زندگی شهری در جوامع توسعه‌یافته یا در حال توسعه، امری اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنند. معمولاً گرایش عمومی نوجوانان و جوانان به ادامه تحصیل تا سطوح بالا، دشواری‌های اقتصادی، مشکل افزایش جمعیت، پیامدهای بارداری زود هنگام دختران و ضعف رشد روانی و اجتماعی نوجوانان در سنین پایین‌تر، عوامل افزایش قهری سن ازدواج شمرده شده‌اند. اما نظام ارزشی اسلام با چنین رویکرد منفعلانه‌ای ناسازگار به نظر می‌رسد و با توجه به پیامدهای منفی تأخیر ازدواج برای جوانان و برای کل جامعه، می‌توان جهت‌گیری اسلام را معطوف به کاهش معقولانه سن ازدواج دانست.

به نظر می‌رسد در مقام ارائه راه‌حلی متناسب با دیدگاه اسلام برای این مسئله، باید بر دو محور اساسی ساماندهی اقتصادی و فرهنگی تأکید کرد. همچنان که شواهد مربوط به دیگر کشورها نشان داده است، می‌توان پیش‌بینی کرد که با بهبود اوضاع معیشتی مردم، کاهش

۱. پایگاه اینترنتی: «مرکز آمار ایران»، «مدیریت آمارهای اجتماعی و اقتصادی خانوار».